



ماهنامه دانشجوئی تحریر دانشگاه فرهنگیان

T A H R I R

تأخرات

ویژه نامه

ماه نشان

نشریه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

پردیس شهید باهنر اصفهان





انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند فاصله هست اما بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد به وجود بیاورد.

ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی

موعود (ارواح‌نافته) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواح‌نافته و عجل‌الله فرجه)، به وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.

نشریه دانشجویی تحریر



نیمه روشن ماه



الله؟ کسی چه می‌دانست این همه بی وفایی در راه هست؟ کسی چه می‌دانست؟

حالا، در این وانفسای روزگار که ماشین و صنعت، چشم انسان را کور کرده‌اند، هستند انسان‌هایی که نیمه شعبان را هنوز، پس از هزار و سیصد سال، شده حتی با لبخندی به هم تبریک می‌گویند و این، محصول همان خون دل خوردن هاییست که از زمان امام کاظم شروع شد و گستره آن شبکه‌سازی مخفی، به جای جای جهان رسیده است، تا آنجا که در هر کجای دنیا، مهدی را می‌شناسند و طاغوت در هر زمان و مکان در صدد است تا نور حق را خاموش کند، لکن، زهی خیال باطل که مرده‌دلان از رخ مهتاب ندارند نشان. و آنانند که به قدرت الهی مهر خاموشی بر دلهای سیاهشان خورده و پیروزی در نهایت، با حزب‌الله است. میلاد آن اختر مسعود، مبارکتان باد اگر در غربال زمانه، گرفتار کمانِ ابروی دنیا نشده‌اید.

عمه در گوش پدر زمزمه کرد: «زمانش فرا رسیده است.» نجوای مناجات امام لابه‌لای بال ملائک پیچید. لحظاتی بعد صدای نوزاد، خانه تحت محاصره را پر کرده بود. گویی یک دسته گل نرگس نشست در آغوش امام عسکری؛ چنانکه از عطرش پاسبانان بیت نیز مدهوش شدند! ملیکا نه، ملیکه شیعیان، نرجس خاتون، لبخندی زد که از لبخندش، گل از گل هر شیدایی می‌شکفت آن دم که قرص ماه، نوید پانزدهمین شب از شعبان را می‌رساند و تو انگار می‌کنی که اهل سماوات نقل باران می‌کنند منزلی را که در آن، آخرین ذخیره الهی چشم گشوده است. نمی‌دانم، شاید آن نیمه شب، پیشوای یازدهممان وقتی به سیاهی آسمان می‌نگریست، در دل به احوال شیعیان عصر ولی‌الله پس از خود فکر می‌کرد.

یا شاید وقتی کنار بستر نرجس خاتون، دست‌هایش را می‌فشرد و تبسم، نثار آن معصومیت می‌کرد، به عاقبت آن تشکیلات عمیق پنهانی می‌اندیشید که ماحصل مجاهدت‌های پدرانش و خون‌های بر زمین ریخته شده یارانش بود.

کسی چه می‌دانست قرار است بیش از هزار سال به طول بینجامد آمادگی خلائق

آباء





رادیو تحریر



پادکست ولادت حضرت مهدی (عج)

گوینده:

حدیث اکبری مقدم

نویسنده:

آلاء

تدوینگر:

نجمه عربصالحی



به عشق مهدی (عج) هوای هم را داریم



چشم باز کن که جان بینی...



عمق و نفوذ و اطراف آن غافل می‌شود. لذا تغییر در دوران ظهور به تغییر در عالم نیست. بلکه به تغییر در ادراک است. پس اصل قیامت تغییر در ادراک است، چونکه قلوبشان زنگار گرفته است. و وقتی زنگار کنار برود صاف می‌بینند، واضح می‌بینند. دوران ظهور دوران اسم جامع است که ظاهر باطن هر دو مستقر بشود. یعنی در عین اینکه عالم هست چشم آخرت بین انسان باز بشود. اگر عالم باشد و چشم آخرت بین باز بشود و تعارضی بین این دو نباشد آنجاست که این حقیقت آشکار می‌شود، مانند کسی است که با قلمی که دارد چیزی می‌نویسد و بگوید عجب قلم زیبایی این نگاه خیلی حقیرانه است که دست را نبیند که این قلم را در دست گرفته است، قلم که نگارنده نیست. این دست است که نگارنده است.

امید رضا رحمتیان



سال هاست بین ما ایستاده ای، ما را می‌بینی و خجالت می‌کشی. می‌بینی که گناه در میان ما پرسه می‌زند و جنایت روی دوشمان نشسته است. می‌بینی که دل‌هامان با سیاهی فاصله ندارند. می‌بینی که شیطان، روی قلب ما سایه انداخته است. چقدر بی‌قراریم برای گناه کردن، چقدر ناتوانیم برای دیدن لبخند خدا.

مشکل کار کجاست؟ مگر میشود برای مصائب اهل بیت گریست و عین حال بدن‌بال‌رهایی از گناه نبود؟ مگر نمیدانیم که گناهان ما دل‌امانمان را آزرده میکند و سبب نارضایتی خدا میشود؟ ساده بگوییم؛ مگر نمیدانیم گناه بده است؟! بارها شنیده ایم که بعد از ظهور امام عصر عج بسیاری از گناهان ترک می‌شود و حتی فکر به آنها هم رنج‌آور میشود. ولی چگونه؟! چرا در آن دوران چنین اتفاقی رخ میدهد ولی حال نه؟! مگر نه اینکه فعل واجبات و ترک محرمات از اقدامات زمینه ساز ظهور است! پس چگونه میتوان به درجه رسید و سبب نزدیک‌تر شدن ظهور شد؟ باید بدانیم در دوران استقرار نهایی نظام عقول رشد می‌کند. نه اینکه حقایق آشکارتر هستند. و حقایق همیشه آشکار بوده اند. اما ذهن انسان‌ها، فکر انسان‌ها، ادراک انسان‌ها به خاطر اشتغالات وسیع و کثیری که در ایام پیدا می‌کند باعث می‌شود که تمام زوایای یک حقیقت را نمی‌بینند. مشغول می‌شود به ظاهر، از





تقاضا مقدمه اجابت

اجابت ها تابع تقاضا هاست، هرچقدر تقاضا بالاتر برود اجابت بالاتری محقق میشود. انقلاب اسلامی اجابت یک تقاضا بود که در راستای ظهور است.

این تقاضای والا بایستی در نخبگان اجتماعی وقشر عموم مردم به طور نسبی گسترش پیدا کند. اگر جایی اجابتی محقق شد ولی پس از آن تقاضا کاهش یافت، اجابت مرتبه مرتبه کاهش پیدا میکند بخاطر همین نعمت ها همیشه باقی نمی ماند. امتها در طول تاریخ منحنی های کمالی شان افت و خیز داشته است گاهی میبینید تا مرحله ای رشد داشتند و ناگهان افول کرده اند. در نظام بقیه الهی حسن جوار نعمت و متغیر بودن نعمت به همین نسبت وجود دارد. مثال عینی آن انقلاب اسلامی است، مرتبه بالا تری از انقلاب اسلامی که عبارت است از نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی؛ اکیدا با همراهی جدی و موثر جامعه بستگی دارد. وظیفه مومنان این است که طلب بازگشت را نه به معنای یک امر انتزاعی بلکه به معنای یک امر واقعی پندارند و درک درستی از مراتب اجابت شده و مفقوده داشته باشند. هرچقدر این گفتمان ظهور به نحو واقعی در رفتار و گفتار مردم بیشتر جلوه کند ما در مسیر موعود گرایی قرار گرفته ایم. اجابت دائر مدار تقاضا است، پس تحقق ظهور دائر مدار تقاضا است، تقاضای ظهور دائر مدار ظرفیت ظهور است. از جمله ظرفیت های

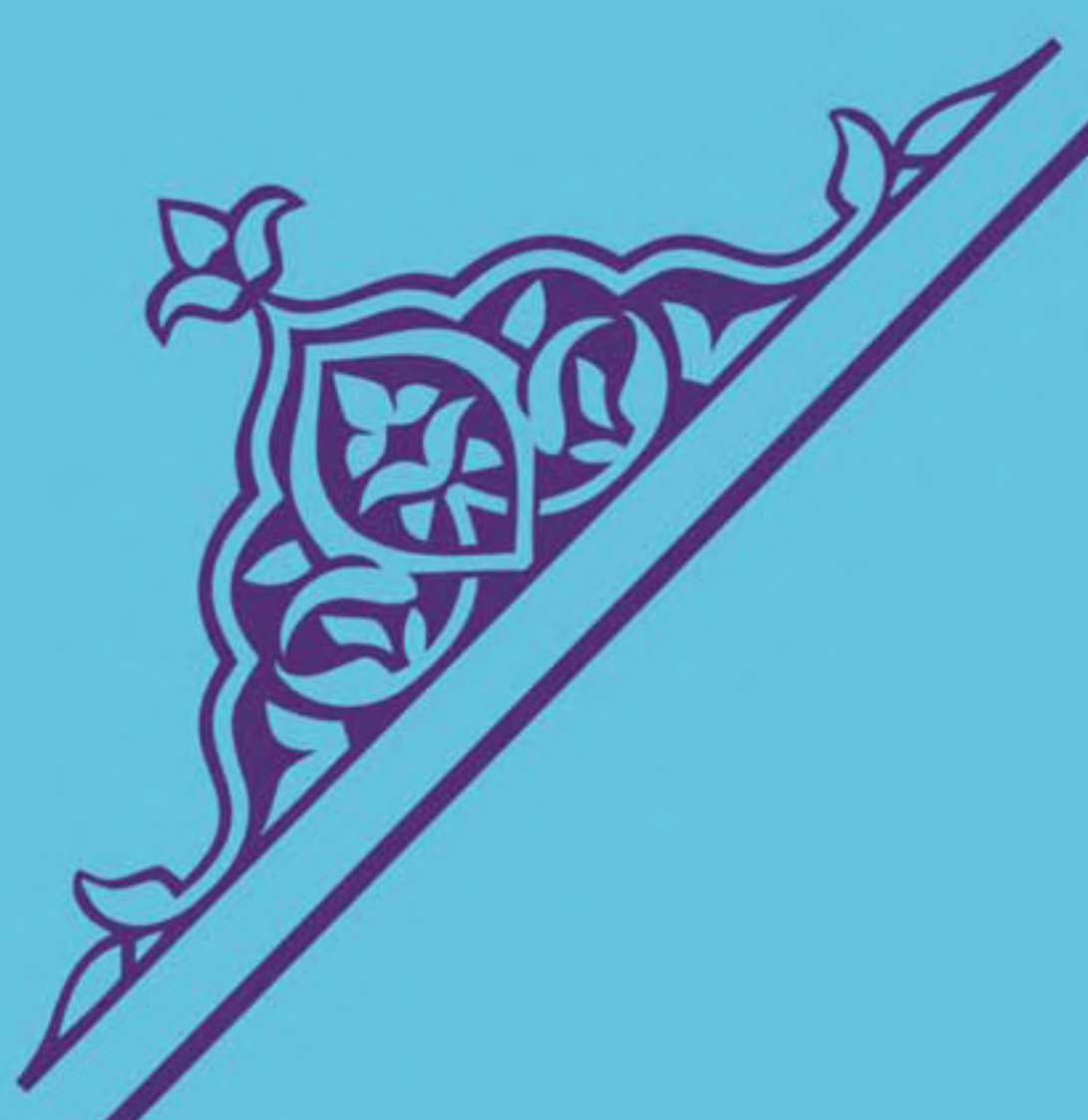
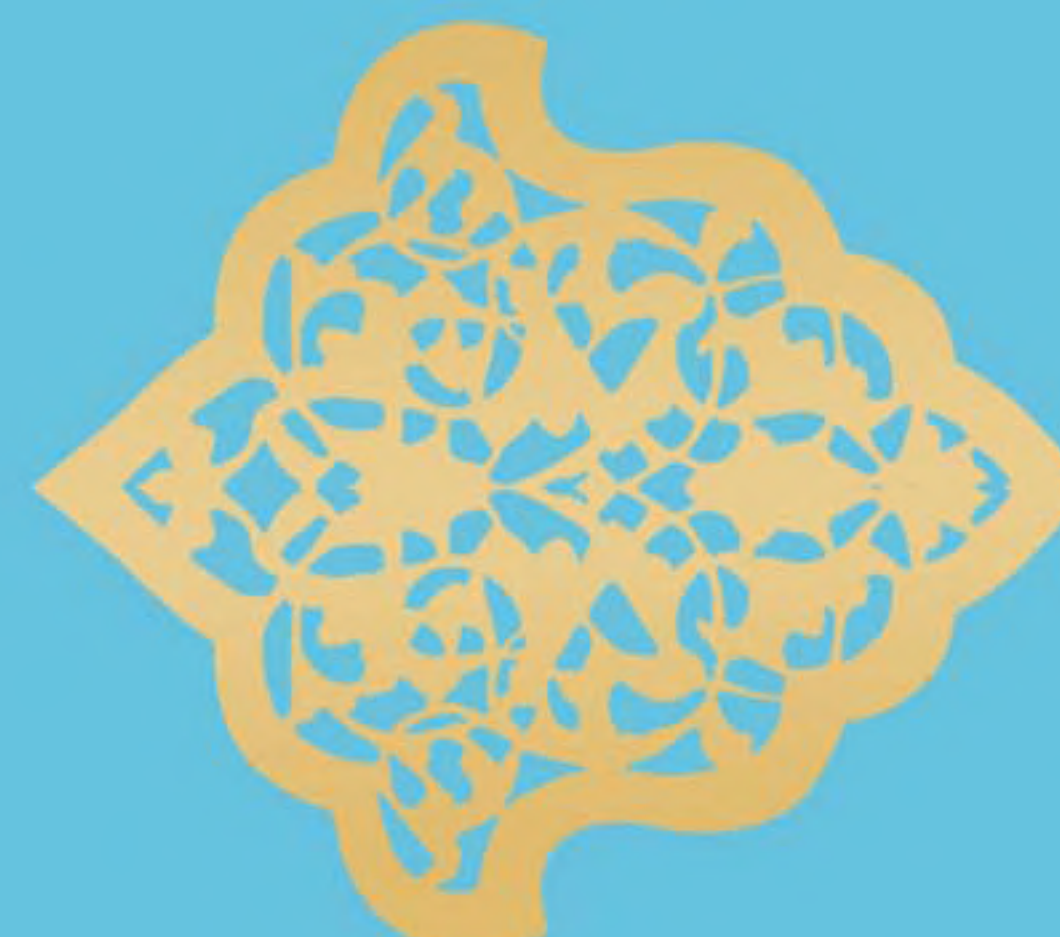
پذیرش ظهور عبادت طلبی است، نخست درون انسان باید عدالت حاکم باشد تا در نظام بیرونی هم امکان عدالت فراهم شود. بسترسازی و زمینه سازی ظهور هرچقدر عمق پیدا کند، نظام کمال فعالیت بیشتری پیدا میکند. هرچقدر اقامه دین زیبا تر و بهتر محقق شود چون با فطرت جهان همسان و همراه است تقاضای ظهور را بیشتر می کند.



اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

محمد مهدی ابراهیمی





چفیه های عربی

سوگند به چشمه های خونی که در مویرگ ها جوشیده و از جای گلوله ها فوران می کند، نجوای لالایی مادران در گوش فرزندان شان به ثمر نشسته است! سنگ های ریز و درشتی که روزی از مشیت کوچک و بزرگ، طاغوت را نشانه گرفته بود، دیوار حائل را روی سر موش های کثیف ویران کرده و چفیه های عربی پیچیده شده گرداگرد چهره های گندمگون مردم مظلوم فلسطین، خاطرات سال های خونین را میان تار و پود پارچه مرور می کنند. روزها گذشته از تحیر جمال الدرہ بالای پیکر بی جان فرزندش! به خیال خودشان فراموش می کنیم و ندانستند گرچه محمدها به خاک غلتیدند، یک به یک، خون شدند و جوشیدند در رگ های جبهه شباب المقاومة، تا غاصبان را، آنان که هم کیشان منصفشان نیز، ایشان را دشمن می پندارند، به قعر آتشی برانیم که سال ها خودشان، هیزمش را اندوختند. اکنون، در چند قدمی قله! عطر گرم زیتون است که شامه را نوازش می کند و حلاوت انگورهای سرخ است که دل را می رباید! گویی زمین هم آماده شده؛ این سال ها چنان از خون جوانان سیراب شد که اگر دشت های شقایق تا ابد برویند و بمیرند و باز برویند، کفایت نمی کند. مهدی جان تا کی می خواهی در سرا پرده غیبت بمانی دیگر زمان آن نرسیده تا عقول مردم مرده

متحرک را بیدار نمایی و انسان خلیفه الله را به سیمای جهان برسانی تا کی می خواهی شاهد قتل مظلوم بی گناه باشی و ببینی کسانی که مدعی آزادی بشر، صلح جهانی و مبارزه با تروریسم هستند هزاران تن بمب را به شیطان های انسان نما بدهند و از ظلم آنجا که به نفعشان است حمایت کنند و در فیلم هایشان تو را نابود کننده زمین و انسانی که در برابر تمام ساختار های به اصطلاح انسان محوری خود بنا کرده اند می ایستی و جهان را به خاموشی می بری نمایش دهند. امروز مهدی جان تو تنها امید و پناه مردم غزه هستی حالا که تمامی ظلم متراکم شده تا مقاومت مردم مظلوم را از ریشه در بیاورد ظهور توست که تمام انسان های آزاده برای شکست این خانه عنکبوت که احساس می کنند سدی شکست ناپذیرند آماده می کنند و تمام پلیدی را درهم شکسته و حکومت را به وارثان زمین برسان. امروز در اوج تقابل حق و باطل همه مظلومان عالم یک صدا تورا می خوانند، به امید آن که این جمعه پشت سرت در مسجد الاقصی نماز بخوانند.



دار زمان آ— لنت دیر می شود

علیرضا احمدی



ویژه نامه ماه نشان

نشریه دانشجویی تحریر



بهمن ماه ۱۴۰۲

